

محمدرضا باهنر با اشاره به انتخابات سال ۷۶ گفت: بعد از این که آقای خاتمی رئیس‌جمهور شد به ملاقاتش رفتم و ضمن تبریک گفتم برنامه شما برای ریاست‌جمهوری چیست و اعضای کابینه‌شما چه کسانی هستند. ایشان زدنیز خنده و گفت مگر من فکر می‌کردم رئیس‌جمهور بشوم که برنامه و کابینه داشته باشم و تازه می‌خواهم ببینم چکار باید کرد.



روایت باهنر از دیدار با خاتمی پس از انتخابات ۷۶

باهنر با تاکید بر این که اصولگرایان برای رساندن رای ۴۰ درصدی به ۵۱ درصد باید به چند سوال پاسخ دهند، تشریح کرد:

پارادوکس های اصولگرایان

عارف و موسوی خوئینی ها می‌توانند طرف مذاکره اصولگر یان باشند

<div>هادی محمدی</div>
international@khorasannews.com

گفت و گویا بمحمد رضا باهنر جذاب است، پیشتر ها او به سبب حضور پر رنگ تر در لایه های قدرت در مصاحبه ها پاسخ های دیپلماتیک می داد و گاهی به سختی می شد تیتیر های جذاب از لایه لای گفت و گوی او انتخاب کرد اما چند وقتی است که در بیان مواضع و تحلیل ها یش صراحت بیشتری به خرج می دهد. از جمله در گفت و گوی مشروح خود با خبرنگار خراسان که به جز یک سوال به بقیه سوالات ما با زبان صریح تری پاسخ داد. او در این گفت و گو تحلیلی از شرایط سیاسی کشور به خصوصی فعالیت های اصولگرایان و اصلاح طلبان در انتخابات ارائه می کند و از پارادوکس های می گوید که اصولگرایان در آن گرفتار شده اند و اگر بتوانند این تناقضات را حل کنند می توانند رای ۴۰ درصدی خود را به ۵۱ درصد برسانند. باهنر از افرادی در جریان اصلاح طلب نام می برد که اصولگرایان می توانند با آن مذاکره کنند؛ چهره هایی همچون موسوی خوئینی ها، محمدرضا عارف و مجید انصاری. او حتی می گوید که آماده است با سید محمد خاتمی هم گفت و گو کند و او را جزو سران فتنه می داند و شروطی که خاتمی باید انجام دهد. دبیر کل جامعه اسلامی مهندسین و عضو حقیقی مجمع تشخیص مصلحت نظام معتقد است اصلاح طلبان نباید از روحانی عبور کنند و این طور می گوید که برخی اصلاح طلبان اگر چه روحانی را انتخاب کردند اما احساس می کنند چون روحانی نمی تواند، پس بهتر است پرونده خود را از روحانی جدا کنند. وقتی در باره تصمیم جمنار انتخابات ۲۹ اردیبهشت و کنار گذاشتن قالیباف سوال می کنیم او از این تصمیم دفاع می کند و می گوید که انتظار داشته اصولگرایان ۲۵ درصد رای بیآورند اما با تصمیم جمنای ۴۰ درصد رای آورده اند. او برای اصولگرایان هم توصیه هایی دارد و معتقد است آن ها باید گفتمان خود را به نوعی اصلاح کنند که هم اصولشان حفظ شود و هم سر ما به اجتماعی داشته باشند. او یکی از اسبب های جریان اصولگرایی را وابستگی این جریان به نهادهای مختلف می داند و در باره نقد کردن برخی نهادهای نظام معتقد است هم شورای نگهبان و هم قوه قضایه قابل نقد هستند اما باید شرایط و زمینه هایش فراهم شود. او تحلیل جالبی هم در باره رای آوردن خاتمی، روحانی و احمدی نژاد و رای نیآورن ناطق نوری دارد که در این گفت و گو می خوانید.

*** شما جزو اولین کسانی بودید که از لزوم گفت و گو میان اصلاح طلبان و اصولگر یان صحبت کرد دید. این بحث شما صرفا رسانه ای بود یا فکر و برنامه ای در پشت آن وجود دارد؟ کمی مصداقی تر اگر بخواهید صحبت کنید؛ مشخصا منظور شما از گفت و گو بین چه کسانی است؟ و چه اشخاص یا احزابی را مناسب این کار می دانید؟**
به نظر من اختلافات سیاسی ما با جریانات مختلف بیش از حد ضرورت است به ویژه این که ما چون حزب محکم در کشور نداریم و مواضع حقوقی ثبت شده وجود ندارد همه جریانات سیاسی مشکل دارند. چون افراد طیف بندی شدند وقتی یک نفر حرفی می زند بسیاری از دوستان باید پاسخ گوی حرف های هم طیفی های خود باشند در حالی که ممکن است آن حرف ها را قبول نداشته باشند. یعنی نفع حزب و وجود ندارد اما هزینه های آن وجود دارد. از طرفی برخی چالش های غیر سیاسی در کشور وجود دارد که جدی هستند مثل بانک ها و موسسات اعتباری، بودجه دولت و… که باید حل شوند و اگر آلوده به بحث های سیاسی و جناح بندی شوند نه تنها حل نمی شود بلکه مشکلات تشدید می شود. بحث این نیست که اختلافات سیاسی را کنار بگذاریم اما موقعی که نگاه می کنیم می بینیم خیلی از مسائل هست که ما می توانیم با یکدیگر هم موضع باشیم و چون این گفت و گو ها اتفاق نمی افتد در جاهایی که باید هم موضع باشیم هر کسی یک چیزی می گوید و بازار سیاست و اقتصاد و فرهنگ و… را شسته تر می کند. طبیعی است که در گفت و گوها یک سری خط قرمز هم داریم؛ مثلا ما واقعا به فتنه اعتقاد داریم و یک سری آدم ها از سران فتنه هستند و قابل مذاکره نیستند که باید با نظام مسئله خود را حل کنند. از طرف دیگر ما اصلاح طلبان را به طور عام فتنه گر نمی دانیم. این گفت و گوها که شروع می شود از درون آن برای برخی مسائل که خطر هستند و نیاز به وحدت جدی گفتمانی بین جریانات سیاسی دارد، راه حل ایجاد می شود. این ها استدلال هایی برای شروع گفت و گو هستند. البته یک اشکال هم دارد چون حزب نداریم ممکن است برخی دوستان مانپسندند و بگویند این ها حرف خود باهنر است! تا ما بخواهیم یک اجماعی در همه دوستان اصولگر ای خود ایجاد کنیم مشکل است. الان داریم بحث ضرورت آن را تبلیغ می کنیم و قیام باید این کار را بکنند و آن طرف هم گفته اند، هر چند معلوم نیست آن چند نفر هم سخنگوی تمام جمع باشند اما فکر می کنم باید کار را جلو ببریم. یک مثال بزنم.

بودجه ای که اسمال دولت به مجلس داده مورد انتقاد های سنگین قرار گرفته اما من هم به عنوان کسی که در حزب روحانی نبودم و در طرف رقیب قرار داشتیم می دانم که دولت در بستن بودجه اسمال به شدت مشکل دارد و باید کمکش کرد تا از این گردنه بگذرد. همچنین بالاخره یک نفر در سال ۱۴۰۰ رئیس جمهوری می شود و آن کسی که الان وارد این گفت و گوها بشود بسیاری از کار های دولت ها را می تواند هماهنگ کند، چون متاسفانه دولت های ما که روی کار می آیند دنبال خنثی کردن کار های دولت قبلی هستند. این اشکالات و بسیاری از اشکالات دیگر نشان می دهد دهن باید گفت و گو صورت بگیرد.

*** فکر می کنید در خلا بر حزب بهتر نیست شخصیت های شاخص و جناح کار را شروع کنند تا مشکلات و هزینه های کشور کاهش یابد؟ افرادی را در دو طرف برای این کار سراغ دارید؟**
هر قدر آدم های مذاکره کننده در طیف خودشان بانفوذتر باشند رسیدن به هدف را سریع تر و بهتر می کند. غیر از سران فتنه افراد زیادی هستند، مثلا آقای عارف قابل مذاکره است یا برخی اعضای تشخیص مصلحت نظام مثل مجید انصاری حتی در ده های بالاتر مثل موسوی خوئینی ها، او شخصیتی است که کاملا می شود مورد مذاکره قرار بگیرد. این چهره ها علی رغم اختلافات مواضع؛ نقاط مشترک هم دارند در طرف اصولگر یان. من خودم آمادگی دارم اما تپییی مثل دکتر حداد عادل می تواند وارد شود و

باید با نظام مسئله خود را حل کنند. از طرف دیگر ما

اصلاح طلبان را به طور عام فتنه گر نمی دانیم. این گفت و

گوها که شروع می شود از درون آن برای برخی مسائل که

خطر هستند و نیاز به وحدت جدی گفتمانی بین جریانات

سیاسی دارد، راه حل ایجاد می شود. این ها استدلال هایی

برای شروع گفت و گو هستند. البته یک اشکال هم دارد

چون حزب نداریم ممکن است برخی دوستان مانپسندند

و بگویند این ها حرف خود باهنر است! تا ما بخواهیم یک

اجماعی در همه دوستان اصولگر ای خود ایجاد کنیم

مشکل است. الان داریم بحث ضرورت آن را تبلیغ می

کنیم و قیام باید این کار را بکنند و آن طرف هم گفته اند،

هر چند معلوم نیست آن چند نفر هم سخنگوی تمام جمع

باشند اما فکر می کنم باید کار را جلو ببریم. یک مثال بزنم.

باید با نظام مسئله خود را حل کنند. از طرف دیگر ما

اصلاح طلبان را به طور عام فتنه گر نمی دانیم. این گفت و

گوها که شروع می شود از درون آن برای برخی مسائل که

خطر هستند و نیاز به وحدت جدی گفتمانی بین جریانات

سیاسی دارد، راه حل ایجاد می شود. این ها استدلال هایی

برای شروع گفت و گو هستند. البته یک اشکال هم دارد

چون حزب نداریم ممکن است برخی دوستان مانپسندند

و بگویند این ها حرف خود باهنر است! تا ما بخواهیم یک

اجماعی در همه دوستان اصولگر ای خود ایجاد کنیم

مشکل است. الان داریم بحث ضرورت آن را تبلیغ می

کنیم و قیام باید این کار را بکنند و آن طرف هم گفته اند،

هر چند معلوم نیست آن چند نفر هم سخنگوی تمام جمع

باشند اما فکر می کنم باید کار را جلو ببریم. یک مثال بزنم.

باید با نظام مسئله خود را حل کنند. از طرف دیگر ما

اصلاح طلبان را به طور عام فتنه گر نمی دانیم. این گفت و

گوها که شروع می شود از درون آن برای برخی مسائل که

خطر هستند و نیاز به وحدت جدی گفتمانی بین جریانات

سیاسی دارد، راه حل ایجاد می شود. این ها استدلال هایی

برای شروع گفت و گو هستند. البته یک اشکال هم دارد

چون حزب نداریم ممکن است برخی دوستان مانپسندند

و بگویند این ها حرف خود باهنر است! تا ما بخواهیم یک

اجماعی در همه دوستان اصولگر ای خود ایجاد کنیم

مشکل است. الان داریم بحث ضرورت آن را تبلیغ می

کنیم و قیام باید این کار را بکنند و آن طرف هم گفته اند،

هر چند معلوم نیست آن چند نفر هم سخنگوی تمام جمع

باشند اما فکر می کنم باید کار را جلو ببریم. یک مثال بزنم.

باید با نظام مسئله خود را حل کنند. از طرف دیگر ما

اصلاح طلبان را به طور عام فتنه گر نمی دانیم. این گفت و

گوها که شروع می شود از درون آن برای برخی مسائل که

خطر هستند و نیاز به وحدت جدی گفتمانی بین جریانات

سیاسی دارد، راه حل ایجاد می شود. این ها استدلال هایی

برای شروع گفت و گو هستند. البته یک اشکال هم دارد

چون حزب نداریم ممکن است برخی دوستان مانپسندند

و بگویند این ها حرف خود باهنر است! تا ما بخواهیم یک

اجماعی در همه دوستان اصولگر ای خود ایجاد کنیم

مشکل است. الان داریم بحث ضرورت آن را تبلیغ می

کنیم و قیام باید این کار را بکنند و آن طرف هم گفته اند،

هر چند معلوم نیست آن چند نفر هم سخنگوی تمام جمع

باشند اما فکر می کنم باید کار را جلو ببریم. یک مثال بزنم.

باید با نظام مسئله خود را حل کنند. از طرف دیگر ما

اصلاح طلبان را به طور عام فتنه گر نمی دانیم. این گفت و

گوها که شروع می شود از درون آن برای برخی مسائل که

خطر هستند و نیاز به وحدت جدی گفتمانی بین جریانات

سیاسی دارد، راه حل ایجاد می شود. این ها استدلال هایی

برای شروع گفت و گو هستند. البته یک اشکال هم دارد

چون حزب نداریم ممکن است برخی دوستان مانپسندند

و بگویند این ها حرف خود باهنر است! تا ما بخواهیم یک

اجماعی در همه دوستان اصولگر ای خود ایجاد کنیم

مشکل است. الان داریم بحث ضرورت آن را تبلیغ می

کنیم و قیام باید این کار را بکنند و آن طرف هم گفته اند،

هر چند معلوم نیست آن چند نفر هم سخنگوی تمام جمع

باشند اما فکر می کنم باید کار را جلو ببریم. یک مثال بزنم.

باید با نظام مسئله خود را حل کنند. از طرف دیگر ما

اصلاح طلبان را به طور عام فتنه گر نمی دانیم. این گفت و

گوها که شروع می شود از درون آن برای برخی مسائل که

خطر هستند و نیاز به وحدت جدی گفتمانی بین جریانات

سیاسی دارد، راه حل ایجاد می شود. این ها استدلال هایی

برای شروع گفت و گو هستند. البته یک اشکال هم دارد

چون حزب نداریم ممکن است برخی دوستان مانپسندند

و بگویند این ها حرف خود باهنر است! تا ما بخواهیم یک

اجماعی در همه دوستان اصولگر ای خود ایجاد کنیم

مشکل است. الان داریم بحث ضرورت آن را تبلیغ می

کنیم و قیام باید این کار را بکنند و آن طرف هم گفته اند،

هر چند معلوم نیست آن چند نفر هم سخنگوی تمام جمع

باشند اما فکر می کنم باید کار را جلو ببریم. یک مثال بزنم.

باید با نظام مسئله خود را حل کنند. از طرف دیگر ما

اصلاح طلبان را به طور عام فتنه گر نمی دانیم. این گفت و

گوها که شروع می شود از درون آن برای برخی مسائل که

خطر هستند و نیاز به وحدت جدی گفتمانی بین جریانات

سیاسی دارد، راه حل ایجاد می شود. این ها استدلال هایی

برای شروع گفت و گو هستند. البته یک اشکال هم دارد

چون حزب نداریم ممکن است برخی دوستان مانپسندند

و بگویند این ها حرف خود باهنر است! تا ما بخواهیم یک

اجماعی در همه دوستان اصولگر ای خود ایجاد کنیم

مشکل است. الان داریم بحث ضرورت آن را تبلیغ می

کنیم و قیام باید این کار را بکنند و آن طرف هم گفته اند،

هر چند معلوم نیست آن چند نفر هم سخنگوی تمام جمع

باشند اما فکر می کنم باید کار را جلو ببریم. یک مثال بزنم.

باید با نظام مسئله خود را حل کنند. از طرف دیگر ما

اصلاح طلبان را به طور عام فتنه گر نمی دانیم. این گفت و

گوها که شروع می شود از درون آن برای برخی مسائل که

خطر هستند و نیاز به وحدت جدی گفتمانی بین جریانات

سیاسی دارد، راه حل ایجاد می شود. این ها استدلال هایی

برای شروع گفت و گو هستند. البته یک اشکال هم دارد

چون حزب نداریم ممکن است برخی دوستان مانپسندند

و بگویند این ها حرف خود باهنر است! تا ما بخواهیم یک

اجماعی در همه دوستان اصولگر ای خود ایجاد کنیم

مشکل است. الان داریم بحث ضرورت آن را تبلیغ می

کنیم و قیام باید این کار را بکنند و آن طرف هم گفته اند،

هر چند معلوم نیست آن چند نفر هم سخنگوی تمام جمع

باشند اما فکر می کنم باید کار را جلو ببریم. یک مثال بزنم.

باید با نظام مسئله خود را حل کنند. از طرف دیگر ما

اصلاح طلبان را به طور عام فتنه گر نمی دانیم. این گفت و

گوها که شروع می شود از درون آن برای برخی مسائل که

خطر هستند و نیاز به وحدت جدی گفتمانی بین جریانات

سیاسی دارد، راه حل ایجاد می شود. این ها استدلال هایی

برای شروع گفت و گو هستند. البته یک اشکال هم دارد

چون حزب نداریم ممکن است برخی دوستان مانپسندند

و بگویند این ها حرف خود باهنر است! تا ما بخواهیم یک

اجماعی در همه دوستان اصولگر ای خود ایجاد کنیم

مشکل است. الان داریم بحث ضرورت آن را تبلیغ می

کنیم و قیام باید این کار را بکنند و آن طرف هم گفته اند،

هر چند معلوم نیست آن چند نفر هم سخنگوی تمام جمع

باشند اما فکر می کنم باید کار را جلو ببریم. یک مثال بزنم.

باید با نظام مسئله خود را حل کنند. از طرف دیگر ما

اصلاح طلبان را به طور عام فتنه گر نمی دانیم. این گفت و

گوها که شروع می شود از درون آن برای برخی مسائل که

خطر هستند و نیاز به وحدت جدی گفتمانی بین جریانات

سیاسی دارد، راه حل ایجاد می شود. این ها استدلال هایی

برای شروع گفت و گو هستند. البته یک اشکال هم دارد

چون حزب نداریم ممکن است برخی دوستان مانپسندند

و بگویند این ها حرف خود باهنر است! تا ما بخواهیم یک

اجماعی در همه دوستان اصولگر ای خود ایجاد کنیم

مشکل است. الان داریم بحث ضرورت آن را تبلیغ می

کنیم و قیام باید این کار را بکنند و آن طرف هم گفته اند،

هر چند معلوم نیست آن چند نفر هم سخنگوی تمام جمع

باشند اما فکر می کنم باید کار را جلو ببریم. یک مثال بزنم.

باید با نظام مسئله خود را حل کنند. از طرف دیگر ما

اصلاح طلبان را به طور عام فتنه گر نمی دانیم. این گفت و

گوها که شروع می شود از درون آن برای برخی مسائل که

خطر هستند و نیاز به وحدت جدی گفتمانی بین جریانات

سیاسی دارد، راه حل ایجاد می شود. این ها استدلال هایی

برای شروع گفت و گو هستند. البته یک اشکال هم دارد

چون حزب نداریم ممکن است برخی دوستان مانپسندند

و بگویند این ها حرف خود باهنر است! تا ما بخواهیم یک

اجماعی در همه دوستان اصولگر ای خود ایجاد کنیم

مشکل است. الان داریم بحث ضرورت آن را تبلیغ می

کنیم و قیام باید این کار را بکنند و آن طرف هم گفته اند،

هر چند معلوم نیست آن چند نفر هم سخنگوی تمام جمع

باشند اما فکر می کنم باید کار را جلو ببریم. یک مثال بزنم.

باید با نظام مسئله خود را حل کنند. از طرف دیگر ما

اصلاح طلبان را به طور عام فتنه گر نمی دانیم. این گفت و

گوها که شروع می شود از درون آن برای برخی مسائل که

خطر هستند و نیاز به وحدت جدی گفتمانی بین جریانات

سیاسی دارد، راه حل ایجاد می شود. این ها استدلال هایی

برای شروع گفت و گو هستند. البته یک اشکال هم دارد

چون حزب نداریم ممکن است برخی دوستان مانپسندند

و بگویند این ها حرف خود باهنر است! تا ما بخواهیم یک

اجماعی در همه دوستان اصولگر ای خود ایجاد کنیم

مشکل است. الان داریم بحث ضرورت آن را تبلیغ می

کنیم و قیام باید این کار را بکنند و آن طرف هم گفته اند،

هر چند معلوم نیست آن چند نفر هم سخنگوی تمام جمع

باشند اما فکر می کنم باید کار را جلو ببریم. یک مثال بزنم.

باید با نظام مسئله خود را حل کنند. از طرف دیگر ما

اصلاح طلبان را به طور عام فتنه گر نمی دانیم. این گفت و

گوها که شروع می شود از درون آن برای برخی مسائل که

خطر هستند و نیاز به وحدت جدی گفتمانی بین جریانات

سیاسی دارد، راه حل ایجاد می شود. این ها استدلال هایی

برای شروع گفت و گو هستند. البته یک اشکال هم دارد

چون حزب نداریم ممکن است برخی دوستان مانپسندند

و بگویند این ها حرف خود باهنر است! تا ما بخواهیم یک

اجماعی در همه دوستان اصولگر ای خود ایجاد کنیم

مشکل است. الان داریم بحث ضرورت آن را تبلیغ می

کنیم و قیام باید این کار را بکنند و آن طرف هم گفته اند،

هر چند معلوم نیست آن چند نفر هم سخنگوی تمام جمع

باشند اما فکر می کنم باید کار را جلو ببریم. یک مثال بزنم.

باید با نظام مسئله خود را حل کنند. از طرف دیگر ما

اصلاح طلبان را به طور عام فتنه گر نمی دانیم. این گفت و

گوها که شروع می شود از درون آن برای برخی مسائل که

خطر هستند و نیاز به وحدت جدی گفتمانی بین جریانات

سیاسی دارد، راه حل ایجاد می شود. این ها استدلال هایی

برای شروع گفت و گو هستند. البته یک اشکال هم دارد

چون حزب نداریم ممکن است برخی دوستان مانپسندند

و بگویند این ها حرف خود باهنر است! تا ما بخواهیم یک

اجماعی در همه دوستان اصولگر ای خود ایجاد کنیم

مشکل است. الان داریم بحث ضرورت آن را تبلیغ می

کنیم و قیام باید این کار را بکنند و آن طرف هم گفته اند،

هر چند معلوم نیست آن چند نفر هم سخنگوی تمام جمع

باشند اما فکر می کنم باید کار را جلو ببریم. یک مثال بزنم.

باید با نظام مسئله خود را حل کنند. از طرف دیگر ما

اصلاح طلبان را به طور عام فتنه گر نمی دانیم. این گفت و

گوها که شروع می شود از درون آن برای برخی مسائل که

خطر هستند و نیاز به وحدت جدی گفتمانی بین جریانات

سیاسی دارد، راه حل ایجاد می شود. این ها استدلال هایی

برای شروع گفت و گو هستند. البته یک اشکال هم دارد

چون حزب نداریم ممکن است برخی دوستان مانپسندند

و بگویند این ها حرف خود باهنر است! تا ما بخواهیم یک

اجماعی در همه دوستان اصولگر ای خود ایجاد کنیم

مشکل است. الان داریم بحث ضرورت آن را تبلیغ می

کنیم و قیام باید این کار را بکنند و آن طرف هم گفته اند،